



مقایسه اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر بر اساس جهت گیری دینی

کارمندان متأهل دانشگاه علوم پزشکی کرمان

* محبوبه عسکری پور

** مینا محسنی

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر بر اساس جهت گیری دینی کارمندان متأهل دانشگاه علوم پزشکی کرمان بود. روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی بود. ۲۰۰ نفر از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی کرمان به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه های احساس مثبت به همسر، جهت گیری دینی و اعتماد بین شخصی، جمع آوری و تحلیل شد. نتایج نشان داد احساس عاطفی مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود تفاوت داشت. میزان احساسات جنسی مثبت نسبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود. همچنین میزان اعتماد متقابل در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود. همچنین میزان اعتماد متقابل در زوجینی که هر دو پایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که هر دو ناپایبند بودند. در کل نتایج این پژوهش نشان داد شباهت زوجین از لحاظ پایبندی به دین، در اعتماد بین شخصی زوجین و احساسات مثبت نسبت به همسر نقش مهمی دارد.

واژگان کلیدی: جهت گیری دینی، اعتماد بین شخصی، احساس مثبت به همسر

* دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان | askaripour.mahboobeh@gmail.com

** استادیار گروه روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سیرجان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

مقدمه

ازدواج، امری اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط و سبب ایجاد کانون خانواده است. کانون خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین شکل اجتماعی، بیشترین تأثیر را در سلامت اجتماعی دارد و این مهم، مشروط به داشتن ارتباطات مطلوب با یکدیگر است (سادوک^۱ و سادوک^۲، ۲۰۰۳). اعتماد، در کنار تعهد و عشق، هسته مرکزی رابطه ایدنال در نظر گرفته می‌شود (براون^۳، ۲۰۰۲). اعتماد، احساس امنیت درباره رفتارهای پیش‌بینی‌نشده فردی دیگر است. پژوهش رِمپل^۴، راس^۵ و هولمز^۶ (۲۰۰۱) و نوریس^۷ و زویگنهافت^۸ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد زوج‌هایی که سطح اعتماد بیشتری دارند احساس‌های مثبتی را نسبت به یکدیگر ابراز می‌کنند. سطح اعتماد از جمله عواملی است که بالقوه روی کارکرد مناسب فرد در رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می‌شود و نبود اعتماد در روابط زناشویی، احساس امنیت را به تباهی می‌کشد (سیمپسون^۹، ۱۹۹۰).

از سویی، یکی از مسائل مهم در زندگی مشترک، داشتن احساس مثبت به همسر است. احساس مثبت شامل طیفی از احساسات مانند لذت، شادی و عشق است. این احساسات درست نقطه مقابل احساساتی مانند اضطراب، ناراحتی و عصبانیت‌اند (فردریکسون^{۱۰}، ۲۰۰۴). از آنجا که افراد دارای احساسات مثبت، از خود انعطاف بیشتری نشان می‌دهند (ایزن^{۱۱}، ۱۹۸۴)، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که احساسات مثبت به همسر می‌تواند به خاطر ایجاد انعطاف، روابط زناشویی بهتری برای زوج‌ها به ارمغان آورد.

از سوی دیگر، گزارش‌های بالینی نشان داده است که علت اصلی و مشترک مراجعه حرفه‌ای مردم به زوج‌درمانی، مشکلات ارتباطی است. بر این اساس، ضرورت توجه به الگوهای ارتباطی زوجین، امری است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران در حیطه زوج‌درمانی قرار گرفته

1. Sadock, B. J

2. Sadock, V. A

3. Brown, D

4. Rempel, J. K

5. Ross, M

6. Holmes, J. G

7. Norris, S. L

8. Zweigenhaft, R. L

9. Simpson, J

10. Fredrickson, B. L

11. Isen, A. M

است. الگوهای ارتباطی سالم و سازنده، یکی از مهم‌ترین عوامل رضایتمندی زناشویی و الگوهای ارتباطی معیوب، یکی از علل ایجاد مشکلات زناشویی و نارضایتی شمرده شده است (گاتمن^۱، ۱۹۹۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل مختلفی در شکل‌گیری این الگو مؤثر است که از جمله می‌توان به نقش‌های جنسیتی، تعاملات زوجین در خانواده مبدأ، عوامل محیطی و عوامل فرهنگی و دینی اشاره کرد (نظری، ۱۳۸۶). از میان عوامل یادشده، مؤلفه دین و معنویت از مهم‌ترین عوامل فرهنگی است که به تجارب، رفتار و ارزش‌های انسان‌ها معنا و ساختار منسجم می‌بخشند. دین نظام سازمان‌یافته‌ای از باورها، شامل سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، رسوم و مشارکت دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا قدرتی برتر است (رگرنوس^۲، ۲۰۱۱). طبق روایات دینی انتظار می‌رود کسانی که نسبت به دینشان پایبندند، دارای احساس مثبت بیشتری نسبت به همسرشان باشند (ابراهیمی، ۱۳۸۶). احساسات مثبت به همسر نشان می‌دهد تا چه اندازه یک زوج نسبت به آینده زندگی زناشویی‌شان احساس خوبی دارند (آلیری^۳، فینچام^۴ و ترکویتز^۵، ۱۹۸۳). مطالعات مختلف نشان می‌دهد که دین و معنویت پیامدهای مثبت و مهمی در روابط زندگی زناشویی، به‌ویژه کیفیت زندگی خانوادگی دارد. همچنین باورهای دینی، همبستگی مثبت با سطوح پایین تعارض‌های زناشویی، حمایت معنوی بالاتر و افزایش روابط حمایتی بین والدین و کودکان دارد (ماهونی^۶، ۱۹۹۸). برخی دین را بهترین عامل پایداری زندگی زناشویی می‌دانند زیرا عمل به باورهای دینی، موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و درنهایت موجب افزایش رضایت زناشویی و احساس مطلوب‌تر نسبت به یکدیگر می‌شود (جریگان^۷ و ناک^۸، ۱۹۸۷). همچنین دین، دستورات و استانداردهایی برای زندگی خانوادگی فراهم می‌کند. علاوه بر این، با ایجاد وابستگی گروهی در زمان‌های بحرانی، با برپایی مناسک و مراسم معنادار، به تقویت ارتباطات میان اشخاص و خانواده‌ها کمک می‌کند، از این‌رو، به یکپارچگی و انسجام اعضای خانواده



1. Gottman, J
3. O'Leary, K. D
5. Turkewitz, H
7. Jerrigan, F. A

2. Regnerus, M
4. Fincham, F
6. Mahoney, A
8. Nack, N

می‌انجامد و روابط میان آن‌ها را اصلاح می‌کند (والش^۱، ۲۰۰۸).

کاهش احساسات منفی به‌ویژه خشم نیز به افزایش احساس مثبت نسبت به یکدیگر، کاهش رنجش و دلخوری و درنهایت افزایش سازگاری کمک می‌کند (خانجانی و شکی، ۱۳۹۲). این رویکرد بر افزایش رفتارهای توجه‌آمیز و مراقبتی تأکید می‌کند و به زوجین کمک می‌کند تا منبع ارضا نیازهای عاطفی یکدیگر باشند و از طریق تجارب خوشایند مشترک، احساسات مثبت را تجربه کرده و فضایی مطلوب و امن ایجاد کنند (عرفانی، ۱۳۹۵) کاهش احساسات منفی به‌ویژه، خشم نیز به افزایش احساس مثبت نسبت به یکدیگر، کاهش رنجش و دلخوری و درنهایت افزایش سازگاری کمک می‌کند.

از آنجایی که جهت‌گیری دینی در هر ازدواجی مطرح است لذا در این پژوهش به مقایسه میزان اعتماد بین فردی و احساس مثبت به همسر در زوجین پرداخته شده است. علاوه بر این برای بدیع بودن موضوع، این دو مهم بر اساس میزان پایداری زوجین به جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی مقایسه شده است تا بتوان به این سؤال پاسخ داد که آیا شباهت یا تفاوت زوجین در پایداری به دین درونی و بیرونی می‌تواند در اعتماد بین فردی و احساس مثبت به همسر، تغییری ایجاد کند؟

روش

نظر به اینکه هدف این پژوهش، مقایسه اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر بر اساس جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی است، روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه کارمندان دانشگاه علوم پزشکی کرمان بود که طبق گزارش مرکز آمار دانشگاه علوم پزشکی، ۴۱۰ نفر بودند. ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از اینکه کارمندان موردپژوهش، متأهل باشند. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۲۰۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری تصادفی بود و سه پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت، اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر در بین افراد توزیع شد.

پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت: آلپورت و راس در سال ۱۹۶۷ پرسشنامه جهت‌گیری دینی^۲ را

1. Walsh, F

2. Allport's Religious Orientation Scale

برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی دین تهیه کردند. این پرسشنامه ۲۱ سؤال دارد و بر مبنای لیکرت، نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت در سال ۱۳۷۸ به زبان فارسی ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن را جان بزرگی (۱۳۸۶) با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ و پایایی را از طریق بازآزمایی، ۰/۷۴ به دست آورده است (مختاری، اللهیاری و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۰).

پرسشنامه اعتماد بین شخصی: پرسش‌نامه اعتماد بین شخصی^۱ را جانسون جورج و سواب (۱۹۸۲) تهیه کردند. مقیاس اعتماد بین شخصی مردان، ۲۱ سؤال و مقیاس اعتماد بین شخصی زنان، ۱۳ سؤال دارد. آزمودنی باید در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان مخالفت یا موافقت خود را با هر یک از عبارات مشخص کند. این مقیاس سه زیرمقیاس شامل اعتماد کلی^۲ (سوالات ۱ تا ۹)، اعتماد عاطفی^۳ (سوالات ۱۰ تا ۱۶) و قابلیت اعتماد^۴ (سوالات ۱۷ تا ۲۱) دارد.

پرسشنامه احساسات مثبت به همسر: پرسشنامه احساسات مثبت به همسر^۵ را آیری و همکاران (۱۹۸۳) به منظور ارزیابی تأثیر عواطف مثبت یا عشق به همسر طراحی کردند. این مقیاس با ۱۷ عبارت، نحوه تأثیر رفتارهایی مانند نوازش، تنها بودن با همسر، بوسه و نزدیک همسر نشستن را می‌سنجد. پرسشنامه احساسات مثبت از ثبات درونی بسیار مطلوبی برخوردار است و ضریب آلفای آن ۰/۹۴ گزارش شده است. اعتبار پرسشنامه احساسات مثبت بسیار خوب است و همبستگی‌های معناداری با آزمون سازگاری زناشویی، پرسشنامه افسردگی بک، میزان تعهد زوجین به ازدواج و میزان اعمال مثبت فرضی از طرف همسرشان دارد. در گروه درمانده، نمره پرسشنامه احساسات مثبت زنان تا حد زیادی پایین‌تر از مردان بود اما در گروه برگرفته از جامعه این‌طور نبود. روایی این پرسشنامه ۰/۸۹ و پایایی آن ۰/۹۱ برآورد شده است (ثنایی، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

۹۸ زن و ۱۰۲ مرد در این مطالعه شرکت کردند. ۳۲٪ شرکت‌کنندگان ۵-۰ سال، ۳۴٪

1. interpersonal trust questionnaire
2. Overall Trust
3. Emotional Trust
4. Reliability
5. Positive feeling questionnaire (PFQ)

شرکت‌کنندگان ۶ تا ۱۰ سال و ۳۴٪ شرکت‌کنندگان بیش از ده سال از ازدواجشان گذشته بود. به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش تحلیل واریانس چند راهه استفاده شد. نخست مفروضه‌های برابری کوواریانس از طریق آزمون ام باکس (جدول ۱) بررسی شد.

جدول ۱: آزمون ام باکس به منظور بررسی برابری کوواریانس‌ها

معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	آماره F	آزمون ام باکس
۰/۰۶	۳۲۳۰/۱۳۱	۷۰	۱/۴۷۷	۱۳۳/۱۹۹

با توجه به نتایج جدول ۱ و معنادار نبودن آزمون ام باکس، مفروضه برابری کوواریانس‌ها برقرار است.

به منظور بررسی اثر کلی جهت‌گیری دینی از آزمون‌های چند متغیره؛ رد پیلائی، لامبدای ویلکز، تی هتلینگ و ریشه روی استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۲: آزمون چند متغیره رد پیلائی، لامبدای ویلکز، تی هتلینگ و ریشه روی برای اثر کلی جهت‌گیری دینی

اندازه اثر	معناداری	آماره F	آزمون‌های چند متغیره
۰/۹۸۸	۰	۱۵/۰۱۶	رد پیلائی
۰/۷۶۵	۰	۱۳/۹۱۷	لامبدای ویلکز
۰/۶۵۲	۰	۱۲/۸۱۸	تی هتلینگ
۰/۸۱۴	۰	۱۳/۲۱۳	ریشه روی

جهت آزمودن همگنی واریانس برای ارزیابی متغیرهای احساس عاطفی، جنسی و اعتماد متقابل همسران از آزمون لوین (جدول ۳) استفاده شد.

جدول ۳: آزمون لوین به منظور تحلیل همگنی واریانس

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
احساس عاطفی مثبت به همسر	۱/۸۱۰	۸	۷۶	۰/۰۸۸
احساس جنسی مثبت به همسر	۰/۹۴۰	۸	۷۶	۰/۴۸۹
اعتماد متقابل به همسر در مردان	۰/۶۱۲	۸	۷۶	۰/۷۶۵
اعتماد متقابل به همسر در زنان	۰/۳۱۳	۸	۷۶	۰/۹۵۹

در جدول ۴، میانگین‌های به‌دست‌آمده از ارزیابی احساس عاطفی، احساس جنسی و اعتماد متقابل همسران در گروه‌های مختلف با یکدیگر مقایسه شدند.

جدول ۴: مقایسه میانگین‌ها در گروه‌های مختلف با آزمون تعقیبی بانفرونی

متغیر وابسته	مقایسه گروه‌های زوجی بر اساس میزان پایداری	مقایسه میانگین‌ها	خطا	معناداری
احساس عاطفی	هر دو زوج ناپایبند	۳/۴۴۴	۱/۶۵۹	۰/۱۲۴
مثبت به همسر	هر دو پایبند	۰/۹۰۲	۱/۷۲۵	۱/۰۰۰
	یکی پایبند و یک ناپایبند	-۲/۵۴۲	۱/۸۴۳	۰/۵۱۶
احساس جنسی	هر دو زوج ناپایبند	۳/۵۷۱	۱/۷۵۶	۰/۱۳۷
مثبت به همسر	هر دو پایبند	۱/۵۹۵	۱/۸۲۷	۱/۰۰۰
	یکی پایبند و یک ناپایبند	-۱/۹۷۶	۱/۹۵۱	۰/۹۴۳
اعتماد متقابل	هر دو زوج ناپایبند	۳۳/۷۰۳	۲۳/۴۴۰	۰/۴۶۴
	هر دو پایبند	۳۷/۴۰۷	۲۴/۳۸۰	۰/۳۸۷
	یکی پایبند و یک ناپایبند	۳/۷۰۳	۲۶/۰۴۴	۱/۰۰۰

مطابق با یافته‌های جدول ۴، تعقیب تفاوت‌ها به کمک آزمون تعقیبی بانفرونی در بین گروه‌های مختلف جهت‌گیری دینی بیرونی بر اساس متعهد بودن یکی از زوجین، هر دو زوج و ناپایبندی هر دو زوج نشان داد که بین میانگین احساسات عاطفی مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود تفاوت معنادار وجود داشت ($P < 0/05$). به این معنی که میزان احساسات عاطفی مثبت نسبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود. بین احساسات مثبت نسب به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که هر دو پایبند بودند و همچنین زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند با هر دو ناپایبند تفاوت معناداری وجود نداشت.

تعقیب تفاوت‌ها به کمک آزمون تعقیبی بانفرونی در بین گروه‌های مختلف جهت‌گیری دینی بیرونی بر اساس متعهد بودن یکی از زوجین، هر دو زوج و ناپایبندی هر دو زوج نشان داد که بین میانگین احساسات جنسی مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود تفاوت معنادار وجود داشت ($P < 0/05$). به این معنی که میزان احساس جنسی مثبت نسبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که یکی

پایبند و دیگری ناپایبند بود. بین احساس مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که هر دو پایبند بودند و همچنین زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند با هر دو ناپایبند تفاوت معناداری وجود نداشت.

تعقیب تفاوت‌ها به کمک آزمون تعقیبی بانفرونی در بین گروه‌های مختلف جهت‌گیری دینی بیرونی بر اساس متعهد بودن یکی از زوجین، هر دو زوج و ناپایبندی هر دو زوج نشان داد که بین میانگین اعتماد متقابل در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند با زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود تفاوت معنادار وجود داشت ($P < 0/05$)، به این معنی که میزان اعتماد متقابل در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود و همچنین میزان اعتماد متقابل در زوجینی که هر دو پایبند بودند بیشتر از زوجینی بود که هر دو ناپایبند بودند.

جدول ۵: اثرهای اصلی درون‌گروهی جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی بر متغیرهای وابسته

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات کل	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری	اندازه اثر
جهت‌گیری دینی بیرونی	احساس عاطفی مثبت به همسر	۱۶۱/۹	۲	۸۰/۹۸۴	۲/۲۱۸	۰/۱۱۶	۰/۰۵۵
	احساس جنسی مثبت به همسر	۱۶۹/۳	۲	۸۴/۶۶۷	۲/۰۶۸	۰/۱۳۳	۰/۰۵۲
جهت‌گیری دینی درونی	اعتماد متقابل در مردان	۲۲۹۳۹/۲۸	۲	۱۱۴/۶۹	۱/۵۷۳	۰/۲۱۴	۰/۰۴۰
	اعتماد متقابل در زنان	۷۴۱۹/۷۹	۲	۳۷۰۹/۸۹	۱/۲۴۲	۰/۲۹۵	۰/۰۳۲
جهت‌گیری دینی درونی	احساس عاطفی مثبت به همسر	۱۸/۲۷	۲	۹/۱۳۷	۰/۲۵۰	۰/۷۷۹	۰/۰۰۷
	احساس جنسی مثبت به همسر	۴۰/۲۲	۲	۲۰/۱۱۰	۰/۴۹۱	۰/۶۱۴	۰/۰۱۳
اعتماد متقابل در مردان	اعتماد متقابل در مردان	۲۸۸۴/۷۵	۲	۱۴۴۲/۳۷۹	۰/۱۹۸	۰/۸۲۱	۰/۰۰۵
	اعتماد متقابل در زنان	۱۵۹۷/۳۸	۲	۷۹۸/۶۹۳	۰/۲۶۷	۰/۷۶۶	۰/۰۰۷

بررسی اثرهای اصلی درون‌گروهی نشان داد که اثر معناداری برای عامل جهت‌گیری دینی بیرونی درباره احساسات مثبت عاطفی و جنسی نسبت به همسر و همچنین اعتماد متقابل در زنان و مردان وجود دارد. لازم به ذکر است اثرهای اصلی برای جهت‌گیری دینی درونی نیز درباره احساس مثبت عاطفی و جنسی به همسر و اعتماد متقابل به همسر بررسی شد و معنادار نبود ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور مقایسه میانگین اعتماد بین شخصی و احساسات مثبت به همسر در زوجینی که هر دو از لحاظ دینی ناپایبند بودند، یکی ناپایبند بود و هر دو پایبند بودند، از روش تحلیل واریانس چند راهه استفاده شد و با استفاده از آزمون تعقیبی بانفرونی تفاوت تک‌تک میانگین‌ها در هر یک از زیرگروه‌ها و متغیرهای وابسته بررسی شد. نتایج اولیه نشان داد این تفاوت اولیه در زیرگروه‌ها مربوط به جهت‌گیری دینی بیرونی است. بررسی اثرهای ساده نشان داد که میزان پایبند بودن نقش مهمی در زوجینی که هر دو پایبند باشند، در اعتماد بین شخصی و احساس مثبت بیشتری نسبت به همسر در رابطه‌شان دارند. علاوه بر این یافته دیگر نشان داد اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند در مقایسه با زوجینی که یکی ناپایبند و دیگری پایبند بود یافت شد. این یافته با یافته‌های ابراهیمی، (۱۳۸۶)، آلیری و همکاران، (۱۹۸۳)، ماهونی (۱۹۹۸) و والش (۲۰۰۸) هم‌خوانی دارد.

این یافته لازم است در نهایت دقت و ظرافت تفسیر شده تا باعث این شبهه نشود که به صورت کلی زوجین ناپایبند، اعتماد و احساس بهتر و بیشتری نسبت به همسرانشان دارند. از آنجایی که دین با اثرگذاری بر سبک زندگی افراد و چگونگی حل تعارض‌های ارزشی، به زندگی هدف و معنا می‌دهد (پارکر و کوهن، ۱۹۸۳)، به این ترتیب به انسجام سازمان روان‌شناختی آنان کمک می‌کند. یافته مربوط به اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر در زوجینی که هر دو ناپایبند بودند به نسبت زوجینی که یکی پایبند و دیگری ناپایبند بود می‌تواند با توجه به تعارض‌های زناشویی تبیین کرد که آشکارا بین همسران می‌تواند باعث اختلاف جدی شود زیرا در چنین وضعیتی، یکی از همسران پایبندی کامل به دین و دیگری ناپایبندی کامل دارد و مقایسه این وضعیت با وضعیتی که هر دو زن و شوهر ناپایبند باشند مشکلات بیشتری به همراه دارد، گرچه ناپایبندی، عواقب و



مشکلات خاص خود را برای افراد خواهد داشت. این مسئله، همان موضوع «کفویت» در همسرگزینی است که در دین اسلام بر آن تأکید شده است^۱ (راوندی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲). طبق این فرضیه و بر اساس تقسیم‌بندی جهت‌گیری دینی به درونی و بیرونی (آپورت، ۱۹۵۰)، در جهت‌گیری دینی بیرونی، دین برای اهداف غیردینی مانند حمایت اجتماعی و احساس امنیت استفاده می‌شود. در واقع به صورت ابزاری برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های غیردینی همچون مقابله با مشکلات یا پیشرفت زندگی به کار گرفته می‌شود و ابعاد غیردینی مقدم بر ابعاد معنوی آن خواهد بود و در واقع ایمانی نابالغانه است. آموزه‌های دینی نیز مؤید این یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر چه ایمان بنده زیاد شود، محبت وی به همسرش نیز زیاد می‌شود^۲ (راوندی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: هر کس بیشتر دوستدار (خاندان عصمت باشد) به همسرش نیز بیشتر اظهار دوستی می‌کند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۲۸۷) و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این گفتار مرد به همسرش که «تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود^۴ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۶۹). بر اساس احادیث فوق می‌توان نتیجه گرفت که جهت‌گیری دینی درونی رابطه مثبت معناداری با احساس مثبت به همسر دارد. در واقع، در جهت‌گیری دینی درونی، دین «انگیزه برتر» در زندگی فرد می‌شود و به عبارت دیگر، فرد به کنشوری خودمختار در چارچوب شخصیت دست می‌یابد (آپورت ۱۹۵۰).

طبق دیدگاه آپورت زوجینی که جهت‌گیری دینی درونی دارند و این را از عمق وجود پذیرفته‌اند اعمال و رفتارشان منطبق با شریعت است. این نتایج با یافته‌های آپورت (۱۹۶۷)، خداپناهی و خاکسار بلداجی (۱۳۸۴) و والش (۲۰۰۸) همخوان است. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان این چنین گفت که ازدواج علاوه بر تمام مزیت‌هایش، گاهی زمینه‌ساز چالش‌هایی نیز می‌تواند باشد که می‌تواند خوشی‌ها و احساسات مثبت اولیه را از بین ببرد. در مقابله با این چالش‌ها و ناملایمات زندگی، وجود عقاید دینی تأثیر بسزایی در استحکام خانواده دارد و ایمان به خدا موجب می‌شود که نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار باشد. به صورتی که موجب پایداری ازدواج شود.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْكِحُوا الْأَخْفَاءَ وَانْكُحُوا مِنْهُمْ وَاجْتَارُوا لِنُظْفِكُمْ وَإِيَّاكُمْ

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُلَّمَا إِزْدَادَ الْإِيمَانُ إِزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: كُلُّ مَنْ اشْتَدَّ لَنَا حُبًّا اشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا

علاوه بر این، عدم وجود ایمان باعث می‌شود فرد آرامش نداشته باشد. این عدم آرامش به خودی خود نیز عامل دیگر برای از بین رفتن احساسات مثبت نسبت به همسر می‌تواند باشد. یکی از حوزه‌های مهم در سازه احساسات مثبت نسبت به همسر، مشخص کردن میزان توان زن یا مرد برای مقابله با ناراحتی‌ها و مشکلات است (لری، ۱۹۸۳). همان‌طور که ذکر شد اعتقادات دینی می‌تواند یکی از عامل‌های مهم مقاومت در برابر مشکلات باشند؛ بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که جهت‌گیری دینی از طریق بالا بردن توانایی فرد برای حل مشکلات کلی زندگی و همچنین مشکلات زناشویی باعث بالا رفتن احساس مثبت زن یا شوهر نسبت به همسر خود می‌شود. لذا به‌طورکلی می‌توان گفت اشخاص با جهت‌گیری دینی درونی، انگیزه‌های اصلی خود را در خود دین، می‌یابند. دیگر نیازها هرچقدر هم که قوی باشند، نسبت به انگیزه دینی ارزش کمتری دارند. چنین اشخاصی وقتی باوری را قبول می‌کنند، سعی می‌کنند، آن را درونی ساخته و به‌طور کامل آن را دنبال کنند (آلپورت، ۱۹۶۷).

از یافته‌های پژوهش می‌توان این‌گونه استنباط کرد که احساسات مثبت به همسر به خاطر ایجاد انعطاف، کنترل خشم و نیز افزایش صبر در افراد، می‌تواند باعث ایجاد روابط زناشویی بهتر به‌خصوص در حل مسائل و تعارضات زناشویی شود و این با پژوهش‌های فردریکسون (۲۰۰۴)، ایزن (۱۹۸۴) و ابراهیمی (۱۳۸۶) همخوان است.

با توجه به ارتباط بین جهت‌گیری دینی، اعتماد متقابل و احساسات مثبت به همسر، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، نقش واسطه‌ای اعتماد متقابل بین جهت‌گیری دینی و احساسات مثبت به همسر بررسی شود. همچنین با توجه به نقش پایبندی هر دو زوج نسبت به اعتماد بین شخصی و احساس مثبت به همسر پیشنهاد می‌شود در مشاوره پیش از ازدواج به این مهم و به‌ویژه اختلاف در میزان پایبندی به دین توجه شود.

فهرست منابع

ابراهیمی، امراله (۱۳۸۶). مقایسه اثربخشی روان‌درمانی یکپارچه گرای دینی، درمان شناختی- رفتاری و دارویی بر میزان افسردگی و نگرش‌های ناکارآمد بیماران مبتلا به افسرده خوبی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.

آزموده، پیمان؛ شهیدی، شهریار و دانش، عصمت (۱۳۸۶). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان. روان‌شناسی. ۱(۴۱)، ۶۰-۷۴.



- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۶). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. پژوهش در پزشکی. ۳۱(۴)، ۳۴۵-۵۰.
- خداپناهی، محمدکریم و خاکسار بلداجی، محمدعلی (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان. روان‌شناسی، ۹(۳)، ۳۱۰-۳۲۰.
- راوندی، فضل‌الله بن علی (۱۳۷۷). النوادر. تحقیق سعیدرضا علی‌عسکری، قم: دار الحدیث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مختاری، عباس؛ اللهیاری، عباسعلی و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۸۰). رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی. روان‌شناسی. ۵(۱۷)، ۵۶-۶۷.
- میکاییلی، منیع فرزانه (۱۳۸۷). مقایسه بهزیستی روان‌شناختی مادران با و بدون دانش‌آموزان ابتدایی کم‌توان ذهنی: اثر سبک‌های مقابله‌ای. کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی)، ۸(۲۷)، ۵۳-۶۸.
- Allport, G. W., & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5(4), 432-443
- Brown, D. (2002). The relationship between attachment styles, interpersonal trust, and the marital attitudes of college students. *Seton Hall University, College of Education and Human Services*.
- Fredrickson, B. L. (2004). The broaden-and-build theory of positive emotions. *Philosophical transactions of the royal society of London. Series B: Biological Sciences*, 359(1449), 1367-1377.
- Gottman, J. M., Coan, J., Carrere, S., & Swanson, C. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family*, 5-22.
- Isen, A. M., & Means, B. (1983). The influence of positive affect on decision-making strategy. *Social cognition*, 2(1), 18-31.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent-child relationships. *Journal of social issues*.

- Norris, S. L., & Zweigenhaft, R. L. (1999). Self-monitoring, trust, and commitment in romantic relationships. *The Journal of Social Psychology*, 139(2), 215-220.
- O'Leary, K. D., Fincham, F., & Turkewitz, H. (1983). Assessment of positive feelings toward spouse. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 51(6), 949.
- Regnerus, M. (2013). Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about Marrying; Sex and the Soul: Juggling Sexuality, Spirituality, Romance, and Religion on America's College Campuses. *BYU studies Quarterly*, 52 (4), 343-53.
- Rempel, J. K., Ross, M., & Holmes, J. G. (2001). Trust and communicated attributions in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 81(1), 57.
- Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2003). *Synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry*.
- Sherwood, E. M. (2008). *Marital Strength in Canadian Military Couples: A Grounded Theory Approach* (Unpublished doctoral thesis). University of Calgary, Calgary, AB.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*, 59(5), 971-980.
- Walsh, F. (2013). Community-based practice applications of a family resilience framework. In *Handbook of family resilience* (pp. 65-82). Springer, New York, NY.

